

ادامه از صفحه اول

چرخه پرابهام پزشکی

به عکس او نگاه می‌کنم که کم‌وبیش هم‌سن‌وسال خودم است؛ یعنی همان نسل انقلاب و جنگ و دهه ۶۰ که می‌تواند هم وارث آرمان‌خواهی‌اش باشد و هم وارث تندخویی‌اش. شک ندارم که اگر پای صحبتش بنشینم، از او همان حرف‌های خودمان را در نقد اوضاع سیاسی و اجتماعی خواهم شنید؛ اما وقتی پای یک انتقاد کوچک به میان بیاید، او همان رفتاری را می‌کند که هر زورگویی می‌کند. او می‌تواند بگوید خواهرم با او توهمین‌امیز رفتار کرد. اصلا بیاییم بگوییم حق با اوست؛ اما مقدمه هرچه باشد، نتیجه جز این نیست که او یک بیمار سرطانی را در شب عملش به حال خود رها کرد.

باور کنید از موضع عاطفی به این مسئله نگاه نمی‌کنم. مسئله من چیز مهم‌تری است. آیا اگر کیارستمی از معروفیت خود را نداشت، این اندازه مسئله خطای پزشکی عمومی و همگانی می‌شد؟ فکرش را نکنید، چند انسان - واقعا چند انسان - در این خطاهای پزشکی از میان می‌روند یا تا آخر عمر با مصائب ناشی از خطای پزشکی یا بیمارستان سر می‌کنند. وانگهی مسئله تنها خطای پزشکی نیست. همین تفرعن قشری است که فقدان عدالت اجتماعی و نظارت کارآمد دولتی بر کلینیک‌ها آنان را به قشری سوداگر و منفعت‌جو بدل کرده که دیگر نه تنها سوداگری‌اش را پنهان نمی‌کند؛ بلکه آن را با استبداد رفتار نیز می‌آمیزد. وقتی حیات و ممات یک انسان در دست یک پزشک باشد؛ بدون آنکه هیچ نظارت صحیحی بر او اعمال شود، البته او احساس خدایگانی خواهد کرد و خداگونه رفتار خواهد کرد. امروز رابطه یک پزشک با تن بیمار حتی بی‌نسبت‌تر از رابطه یک مکانیک با ماشین است. تن بیمار یک ارگانسیم بدکارکرد است که باید تعمیر شود. درست مثل یک ماشین. همین. برای این‌ خاتم دکتر آن تن تنها حامل غده سرطان است نه هیچ‌گونه روحی. وگرنه چگونه می‌شود یک بیمار را که نه‌نقط تن بلکه روحش هم از سرطان رنجور است، چنین رنجورتر و آسیب‌دیده‌تر به خانه فرستاد. برای اینکه برای خانم دکتر این یک ماشین بدکارکرد است که با تعمیرش می‌شود پول درآورد؛ وگرنه ماشین که روح ندارد.

بیهوده به من نگویید همه پزشکان مثل هم نیستند. خودم می‌دانم که مثل هم نیستند. مگر همه معلم‌ها مثل هم هستند یا همه دیگران. من دارم از برابند کلی یک قشر سخن می‌گویم. من خودم چند دوست پزشک دارم که انسان‌هایی بافرهنگ و مسئول‌اند. گاهی که همین گلایه را با آنها در میان می‌گذارم، آنها هم همین را می‌گویند و من هم همین را می‌گویم که من دارم از برابند کلی یک قشر سخن می‌گویم. از ستم‌های پنهان و آشکار و بدون عواقبی که این قشر با عنوان درمان بر انسان وارد می‌کند. آیا لازم است از فجایعی که پزشکان جراحی پوست و زیبایی در این سال‌ها بر چند نسل اخیر ما وارد آورده و آنان را به پوش‌های آزمایشگاهی‌شان برای ساختن فرانکشتهای‌هایی زیبا بدل کرده، سخن بگویم؟ آیا لازم است از آن دسته کلینیک‌های لاکچری سخن بگویم که الگوی نگهداری‌شان از بیمار الگوی هتل‌های چندستاره است؟ خودم می‌دانم که ما پزشک‌های شریف هم داریم؛ اما پرسش اصلی این است که کدام جامعه پزشکی بقیه اینها را جسبیده است؟ کدام نظام پزشکی پزشکان بی‌مسئولیت خود را آشکارا برملا کرده است؟ کدام نظام بیمه عادلسی همین خانم دکتر را بازخواست خواهد کرد؟ چگونه است که یک قشر این‌چنین خود را از جواب‌گویی و مسئولیت‌پذیری خلاص کرده است؟

امروزه دیگر سخن از یکی، دو استثنای نامطلوب نیست؛ برعکس استثنا خود قاعده شده است و آن پزشکان شریف در زیر این چرخه پرابهام حالا خود استثنا هستند. واقعا هریک از ما چند بیمار را که یا قربانی خطای پزشکی یا مورد سرکوب تفرعن پزشک یا مورد سوءاستفاده سوداگری کلینیکی‌شان شده‌اند، گرداگرد خود سراغ داریم؟ آیا اگر فراخوان دهیم، صدها مورد از خطا و سرکوب پزشکی یا سوداگری کلینیکی فراهم نخواهیم کرد؟ آیا این اندازه مورد برای خطا و سرکوب و سوداگری خود نشانه فروپاشی اخلاقی و حتی علمی یک قشر نیست؟ حتی اگر هیچ سازمانی متکفل این نظارت نیست (که گویا نیست) آیا خودمان دست‌کم در چار‌چوب اخلاقی و نهادهای مدنی خودمان ازجمله همین رسانه‌ها نباید به افشای خطاهای این قشر پرداخته و در برابر تفرعن‌شان اعتراض کنیم؟ دست‌کم این پرسش من از همین نهادهای مدنی و رسانه‌ها و هزاران کمپین جورواجوری است که هر روز به هر بهانه سر برمی‌آورند: جان انسان و از آن مهم‌تر شان آدمی فراتر از آوازه‌گری‌های تبلیغاتی است. این تنها کیارستمی نبود که قربانی نهاد فرسوده و غیرجواب‌گوی پزشکی شد. هرروزه چندین انسان در زیر چرخه پرابهام این قشر در حال قربانی‌شدن‌اند.

تنش میان پادشاه عربستان و ولیعهد این کشور در حال افزایش است. نگرانی ملک سلمان از احتمال کودتای پسرش محمد بن سلمان در سفر او به مصر به اختلاف‌های میان پدر و پسر دامن زده است. روزنامه گاردین روز گذشته در گزارشی اختصاصی در ارتباط با اختلاف‌های پادشاه و ولیعهد عربستان خبر داد که تنش میان ملک سلمان و پسرش پیش از این هم بر سر جنگ یمن و قتل جمال خاشقجی وجود داشته و در پی سفر اخیر پادشاه عربستان به مصر تشدید شده است. در جریان این سفر مشاوران پادشاه عربستان به او هشدار دادند که احتمال اقدام علیه او و امکان تهدید در جریان سفر به مصر وجود دارد. اطرافیان ملک سلمان نگرانی شدیدی درباره تهدید احتمالی علیه قدرت او داشتند و بر همین اساس ۳۰ محافظ جدید وفادار به پادشاه با نظارت وزارت کشور به جای محافظان قدیمی که از سوی محمد بن‌سلمان منصوب شده بودند، در سفر به قاهره برای شرکت در نشست اتحادیه عرب و اتحادیه اروپا، سلمان را همراهی کردند.

این اقدام واکنشی بود به نگرانی اطرافیان ملک سلمان از محافظاتی که به ولیعهد او محمد بن‌سلمان وفادار هستند. مشاوران امنیتی ملک سلمان حتی تعیین افرادی از سوی سازمان امنیتی مصر را نیز در حضور پادشاه عربستان در مصر نپذیرفتند. یکی از نشانه‌هایی که احتمال بروز تنش میان محمد بن‌سلمان و ملک سلمان را افزایش می‌دهد، استقبال‌نکردن ولیعهد از پدرش در فرودگاه بود.

بروس ریدل مدیر پروژه اطلاعاتی بروکینگز که سابقه ۳۰ حضور در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا را دارد، تحولات اخیر در عربستان را مهم می‌داند و می‌گوید: «نشانه‌های کوچکی که تاکنون از اختلاف میان پادشاه و ولیعهد عربستان نمایان شده هر چقدر هم جزئی و ناچیز باشند، از تحولاتی مهم در رده‌های بالای قدرت در عربستان حکایت می‌کند. اگر رابطه‌ای سالم میان ولیعهد و پادشاه برقرار بود، محمد بن‌سلمان به طور طبیعی به استقبال ملک سلمان می‌رفت تا نشان دهد که با وجود اختلاف‌ها، احترام و ثبات در روابط خاندان پادشاهی عربستان برقرار است. اما اکنون تمام خاندان سلطنتی با نگرانی و تشویش تحولات را دنبال می‌کنند».

انتصاب سفیر جدید عربستان در ایالات متحده هم از دیگر موضوعاتی بود که با نارضایتی پادشاه عربستان همراه بود. محمد بن‌سلمان در اقدامی غیرمتعارف و در زمان غیبت پادشاه، اقدام به انتصاب ریماد دختر بندر بن‌سلطان به عنوان سفیر عربستان در آمریکا کرد و برادرش خالد بن‌سلطان سفیر پیشین ریاض در واشنگتن را هم با ترفیع مقام در سمت معاون وزیر دفاع قرار داد.

نزدیکان پادشاه عربستان می‌گویند ملک سلمان از این جابه‌جایی‌ها بی‌اطلاع بود و حتی انتصاب خالد بن‌سلمان برای سمت مهمی در وزارت دفاع عربستان را اقدامی زودهنگام می‌دانست. گفته شده که پادشاه و همراهانش از اخبار تلویزیون در جریان این انتصاب‌ها قرار گرفتند و برخلاف عرف، احکام این دو نفر هم نه به نام ملک سلمان بلکه به نام محمد بن‌سلمان یعنی «جانشین شاه سعودی» خوانده شد.

پادشاه عربستان بر سر پروسه صلح اسرائیل و

فلسطین اختلاف‌نظرهایی جدی با محمد بن‌سلمان

دارد. محمد بن‌سلمان اخیرا در گفت‌وگو با نشریه



نگرانی ملک سلمان از احتمال کودتای پسرش محمد بن سلمان

هراس از توطئه

آتلاتیک درباره پرونده صلح خاورمیانه و پایتختی قدس گفت: «اسرائیلی‌ها حق دارند سرزمین خود را داشته باشند و در صلح زندگی کنند». این اظهارات نایخته محمد بن‌سلمان معضلی جدی برای پادشاه عربستان ایجاد کرد. پس از این گفت‌وگو بود که رسانه‌ها از اختلاف‌های جدی پادشاه و ولیعهد عربستان پرده برداشتند.

حتی یکی از مقام‌های بلندپایه عربستان هم پس از ماجرای قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار مخالف عربستانی در کنسولگری این کشور در استانبول و نیز اظهارات محمد بن‌سلمان در مورد پرونده صلح اسرائیل و فلسطین، اعلام کرد که در حال حاضر در عربستان تنها شخص پادشاه مسئول تصمیم‌گیری است و ولیعهد موظف است تمام اقدامات خود را با پادشاه هماهنگ کند.»

پادشاه عربستان در ماه‌های اخیر تغییراتی تدریجی در رده‌های بالای قدرت در خاندان سعودی انجام داده است. احیای شورای امنیت ملی و همچنین انتصاب مشاورانی باتجربه در کنار محمد بن‌سلمان از جمله اقداماتی است که برای مهار ماجراجویی‌ها و

جنجال‌آفرینی‌های ولیعهد جوان صورت گرفت. نیل کیلیان یکی از تحلیلگران ارشد اندیشکده چتم هاوس در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا اعتقاد دارد که حتی اگر محمد بن‌سلمان بدون هماهنگی با پدرش اقدام به تعیین سفیر در آمریکا و نیز ترفیع جایگاه خالد بن‌سلطان گرفته باشد، باز هم چنین اقدامی در راستای سیاست‌های ریاض صورت گرفته است. «درست است که بن‌سلمان در غیاب پدرش برای بسط قدرت و نفوذ خود تصمیماتی گرفته است اما باید توجه داشت که محمد بن‌سلمان با وجود اختلاف‌های فراوان با پدرش به‌خصوص در مورد قدس، هیچ‌گاه اقدامی برای اعمال فشار بر ملک سلمان انجام نداده است. بن‌سلمان به خوبی می‌داند که اگر حمایت‌های پدرش نباشد مشروعیت او با تردید روبه‌رو خواهد شد.»

پایان رؤیای «چشم‌انداز ۲۰۳۰»

ایجاد مانع در مسیر اصلاحات مورد نظر محمد بن‌سلمان نیز از دیگر موضوعات مورد اختلاف پدر و پسر به شمار می‌آید. پس از طرح اصلاحات اقتصادی برای کاهش وابستگی به نفت با نام «چشم‌انداز ۲۰۳۰» و خواست محمد بن‌سلمان برای عرضه پنج درصد سهام شرکت نفتی دولتی «آرامکو» به ارزش حدود صد میلیارد دلار در بورس و الحاق این شرکت بزرگ به صندوق سرمایه‌گذاری دولتی عربستان، پادشاه عربستان پس از مشورت با مشاورانش مانع عملی شدن این تصمیم شد و آن را به علت مغایرت با منافع عربستان سعودی لغو کرد. برخی کارشناسان اقتصادی عقیده داشتند که اگر آرامکو شرکتی انحصاری در استخراج و تولید نفت نبود و بنابراین سهام آن پیش از این در بورس عرضه شده بود، ارزشی بسیار فراتر از صد میلیارد دلار و حدود دو هزار میلیارد دلار داشت.

اکنون برخی تحلیلگران غربی از احتمال تهدید قدرت سلمان بن‌عبدالعزیز از سوی پسرش می‌گویند؛ چیزی از قبیل کودتا و برخی دیگر از احتمال عزل فرزند به دست پدر سخن می‌رانند. محمد بن‌سلمان اما نشان داده که هم تشنه قدرت بیشتر است و هم دارای سابقه اقدامات نامتعارف و عجیب. او یک بار دیگر کودتا کرده است؛ سفید، آرام و بدون خونریزی؛ در بازی تاج و تخت روزهای داغ ژوئن سال ۲۰۱۷، زمانی که بر عموهای رقیب و بانفوذ خود چیره شد. بر برخی با برکناری و بر بعضی دیگر با خانه‌نشین‌کردن آنها.

تعطیلی و برچیده‌شدن سایت موشکی سوهانه به عنوان پیروزی دونالد ترامپ در مناقشه موشکی و اتمی کره‌شمالی یاد می‌شد. هرچند روز سه‌شنبه، جان بولتون، مشاور امنیتی رئیس‌جمهوری آمریکا، از احتمال تشدید تحریم‌های آمریکا علیه کره‌شمالی در صورت ادامه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای نظامی آن کشور سخن گفت. در عین حال، روز دوشنبه این هفته مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا که در نشست ویتنام حضور داشت ابراز امیدواری کرد که در چند هفته آینده، هیئتی از مقامات آمریکایی برای ادامه مذاکرات با کره‌شمالی به آن کشور اعزام شود. رئیس‌جمهوری آمریکا پس از خارج‌شدن از توافق هسته‌ای با ایران نشنه‌شان‌دادن پیروزی در مذاکره با کره‌شمالی بود و از روند گفت‌وگوها با کیم جونگ اون هم به خود می‌بالید. با این حال هنوز مشخص نیست به تحرکات اخیر کره‌شمالی چقدر می‌تواند بر حرکت بعدی کاخ سفید در قبال پیونگیانگ تاثیر بگذارد.

خبر

سفر قریب‌الوقوع پمپئو به خاورمیانه

● وزارت خارجه آمریکا از سفر قریب‌الوقوع وزیر خارجه این کشور به لبنان، اسرائیل و کویت خبر داد. به گزارش ایسنا، به نقل از سایت شبکه روسیا الیوم، رابرت پلادینو، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، با اشاره به اظهارات روز دوشنبه مایک پمپئو، وزیر خارجه این کشور که گفته بود در روزهای آینده به لبنان، اسرائیل و کویت سفر می‌کند، اظهار کرد: پمپئو سفر خود را به‌زودی آغاز می‌کند.او موعد قطعی یا جزئیاتی درباره این سفر اعلام نکرد و گفت که برنامه مفصل این سفر سفر پیش از انتخابات کنست (پارلمان اسرائیل) انجام می‌شود، سؤالاتی دراین‌باره مطرح شده که این سفر به منزله پیامی مبنی‌بر حمایت آمریکا از بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر این رژیم است، اما سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دراین‌باره گفت که سفر پمپئو به کویت، اسرائیل و لبنان هیچ ارتباطی با انتخابات اسرائیل که قرار است در تاریخ ۹ آوریل برگزار شود، ندارد. او افزود: «اسرائیل هم‌پیمان ماست و ما در امور سیاسی داخلی هیچ کشوری مداخله نمی‌کنیم».پلادینو درخصوص سفر وزیر خارجه آمریکا به کویت نیز گفت که این سفر تا حدود زیادی در راستای تکمیل سفر قبلی او انجام می‌شود که پمپئو در ژانویه گذشته به خاورمیانه انجام داد و هشت روز طول کشید. در جریان سفر گذشته، پمپئو قرار بود در کنفرانس «گفت‌وگوی استراتژیک» آمریکا و کویت مشارکت کند، اما به دلایل خانوادگی ناگزیر به ترک کویت شد.

تنها یک چهارم نمایندگان پارلمان‌های جهان زن هستند

● طبق گزارش سالانه «اتحادیه بین‌المجالس»، زنان در پارلمان‌های سراسر دنیا حضور کمتری دارند و کمتر از یک‌چهارم نمایندگان پارلمان‌های جهان زن هستند. به گزارش رویته‌وله، گزارش سالانه اتحادیه بین‌المجالس از ۵۰ پارلمان جهان که در سال گذشته کار خود را آغاز کردند نشان می‌دهد که حضور زنان کمی بیشتر از ۲۴ درصد بود است.کابریلا کونواس بارون، رئیس اتحادیه بین‌المجالس می‌گوید: «برای حفظ تعادل میان زنان و مردان در سیاست، در سطح جهانی هنوز باید مسیری طولانی طی شود. بنابراین اتحادیه بین‌المجالس خواستار تلاش‌های بیشتری برای افزایش شمار زنان نماینده در پارلمان‌های جهان است. مطلوب‌ترین شکل آن می‌تواند سهمیه ۵۰ درصدی زنان باشد که در فهرست نامزدهای احزاب سیاسی ۵۰ درصد زنان ۵۰ درصد دیگر از مردان باشند».اما طبق گزارش سالانه اتحادیه بین‌المجالس که سه‌شنبه گذشته انتشار یافت، شمار نمایندگان زن در پارلمان‌های ملی کشورهای جهان در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۵ فقط بیش از ۱۱ درصد از نمایندگان پارلمان‌های دنیا زن بوده‌اند، ولی در سال ۲۰۰۰ میلادی، این رقم به ۱۳ درصد رسیده و ۱۰ سال بعد، تقریبا یک‌پنجم کرسی‌های پارلمان‌های جهان را زنان در اختیار داشتند.گزارش سالانه اتحادیه بین‌المجالس نتایج «تاریخی» انتخابات نوامبر ۲۰۱۸ آمریکا را هم برجسته کرده است که در آن در مجلس نمایندگان ۲۳/۵ درصد و در مجلس سنا ۲۵ درصد نمایندگان از میان زنان بوده‌اند.



الهیه، فیابان شهید حسن اکبری، کوچه هاله، پلاک دو مجتمع توانبخشی شهدای هفتم تیر